



انترناسیونال ۳۶۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۲ مرداد ۱۳۸۹، ۱۳ اوت ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: کاظم نیکخواه

صفحه ۱۰

۲۸ اوت صد شهر جهان علیه سنگسار!



خواست آزادی زندانیان سیاسی را باید وسیعا طرح کرد

مصاحبه با شیوا محبوبی

دولتها و جنبشها در کارزار جهانی علیه سنگسار!

حمید تقوایی

فوری زندانیان سیاسی فراخوان دادید، استقبال از این آکسیون چگونه بود و چه اقدامات دیگری در دستور دارید؟

شیوا محبوبی: ما این آکسیون را به صورت اضطراری روز سه شنبه ۳ صفحه ۲

انترناسیونال: شیوا محبوبی شما بعنوان سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، برای روز ۷ اوت تظاهراتی را در حمایت از زندانیان سیاسی و اعتراض به احکام اعدام صادر شده برای جعفر کاظمی و زندانی دیگر و با خواست آزادی

این جهت بجلو برداشته و دستاوردهای محسوسی داشته است. اعلام موضع رسمی هیلاری کلینتون در محکومیت اعدامها در ایران و خواست آزادی فوری زندانیان سیاسی آخرین سنگسار گامهای مشخصی در

در انترناسیونال شماره ۳۵۷، مقاله "کارزار جهانی علیه سنگسار و راههای تداوم انقلاب" به اهمیت و جایگاه این کمپین در جهت منزوی کردن جهانی جمهوری اسلامی اشاره کردم. در فاصله یکماه اخیر کارزار علیه سنگسار گامهای مشخصی در



در حاشیه بحث لنین و آزادی!

مصطفی صابر

کسی که حزب کمونیست کارگری را قدری از نزدیک بشناسد میتواند ببیند که این حزب در سنت برداشت لنینی از مارکسیسم قرار دارد. اینرا خطاب به منتقدان چپ سنتی و فرقه ای مان میگویی که نوشته اخیر یکی از رفقا در نقد لنین را پیراهن عثمان حمله به حزب کرده اند. آن نوشته یک نظر شخصی است و مورد انتقاد رفقای دیگر هم قرار گرفته است. به نظر من نیز نوشته مذکور خارج از سنت تاکنونی ما بوده و تحت تاثیر نقد دمکراتیک و جنگ سردی از لنین قرار دارد و لذا نه ربطی به حزب ما و برداشتمان از مارکسیسم و لنین دارد و نه ربطی به انصاف در نقد و نه به آزادیخواهی به معنی واقعی کلمه. ولی در این حزب ما در عین پیشبرد خط رسمی و مصوب حزب با هم بحث میکنیم و سعی میکنیم همدیگر را قانع کنیم. اگر منقد ما نمی تواند این واقعیت ساده که لازمه هر فعالیت مشترک انسانی است را هضم کند و با دیدن نظر متفاوت یک نفر چوب تکفیر علیه کل حزب بلند میکند و آسمان به زمین می بافتد، فقط نشان میدهد که متأسفانه در دنیای بغض آلود و فرقه ای اش سیر میکند. اما موضوع مهمتر همین نقد دمکراتیک از لنین و آزادیخواهی اوست که این وسط سر و کله اش پیدا شده و مایلیم مختصراً چند کلمه را در این رابطه یادآوری کنم.

مساله آزادی مثل هر موضوع و مساله

صفحه ۱۱

"بنگاههای زود بازده" و دزدیهای هزاران میلیاردی!

رکن سیاست "ایجاد اشتغال" در برنامه دولت قرار گرفته يك "تحول بزرگ" در عرصه ایجاد اشتغال و بازده" که از سال ۸۵ به عنوان یک

محمد شکوهی
بنابر ادعاهای دولت احمدی نژاد و وزیر کارش طرح "بنگاههای زود بازده" که از سال ۸۵ به عنوان یک

موج جدیدی از اعتراضات پرستاران در پیش است

شهلا دانشفر

تجمع سراسری و اعتصاب در میان است. گفته میشود ۲۳ هزار پرستار که مدتهاست در انتظار استخدام خود هستند،

اخبار حاکی از شروع موج جدیدی از زمزمه های اعتراض در میان پرستاران است. سخن از

صفحه ۱۱



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۶

بازتاب هفته

جنگ مکاتب یا جنگ حکومت و مردم

یاشار سهندی

معضل ماه رمضان حکومت

غلام اکبری

فاجعه عظیم زلزله در پاکستان چندان هم

طبیعی نیست

بهبروز مهر آبادی

نوزادی با ریش و عمامه!

بهبروز مهر آبادی

صفحات ۵-۴

صفحات دیگر

جمهوری اسلامی در ورطه انزوا، آوات فرخی، صفحه ۱۲

احکام زندان برای افراد منتسب به بهائی محکوم است!

صفحه ۲

کارگران اخراجی نوشابه سازی ساسان از حق بیمه بیکاری نیز

محرومند!، صفحه ۷

تصاویری از تظاهراتهای ۱۰ اوت (۱۹ مرداد) برای نجات جان

سکینه محمدی، صفحه ۷

تصاویری از تظاهراتهای ۷ اوت (۱۶ مرداد) در ۱۳ شهر جهان

در دفاع از زندانیان سیاسی، صفحه ۱۰

سلمان رشدی از کمپین بین المللی برای نجات سکینه محمدی

آشتیانی دفاع کرد، صفحه ۹

نامه مینا احدی به بان کی مون رئیس سازمان ملل، صفحه ۹

خواست آزادی زندانیان سیاسی را باید ...

از صفحه ۱

اوت اعلام کردیم چرا که حکم اعدام جعفر کاظمی را دادگاه تأیید کرده بود و همینطور حکم اعدام ۶ نفر دیگر به اسامی محمدعلی صارمی، محمدعلی حاج آقایی، عبدالرضا قنبری، محسن و احمد دانشپور مقدم و جواد لاری از سوی جمهوری اسلامی اعلام گردیده بود و همینطور زینب جلالی زاده نیز همچنان در خطر اعدام قرار دارد. این روز همچنین موقعیت مناسبی بود که وضعیت زندانیان سیاسی و مشخصا دانشجویان و کارگران زندانی را مطرح کنیم. روز ۷ اوت در ۱۴ شهر دنیا یعنی لندن، سیدنی، برلین، برمن، کلن، هامبورگ، استکهلم، هلسینگی، مالمو، بوروس، اسلو، ونکوور، تورنتو و اتاوا تظاهرات بر پا گردید، در مراکز این شهرها عکسهای زندانیان سیاسی به نمایش گذاشته شد، در رابطه با وضعیت زندانیان سیاسی و بلاخص کسانی که در خطر اعدام هستند اطلاع رسانی شد و طومارهایی در حمایت از زندانیان جمع آوری شد. استقبال مردم بسیار خوب بود. مردم با سمپاتی به سخنرانیها گوش داده و مطالب و کیسهای زندانیان سیاسی را که با عکسهایشان در دسترس مردم گذاشته بودیم میخواندند و طومارها را امضا میکردند. اهمیت این اعتراض در این بود که جهانی و همزمان برپا گردید. ما تلاشمان اینست که اعتراضهای هماهنگ جهانی بیشتری در آینده داشته باشیم چرا که این روش بسیار موثری برای جلب افکار عمومی در سطح جهانی و سازماندهی کمپین وسیعتری برای آزادی زندانیان سیاسی میباشد. با این حرکات ما میتوانیم وضعیت زندانیان سیاسی را جلوی چشم همه قرار دهیم و از مردم کشورهای مختلف بخواهیم که به دولتها فشار بیاورند که جمهوری اسلامی را برای شکنجه و اعدامها محکوم کنند و همچنین سفارتخانه های رژیم اسلامی در کشورشان بسته شود. در حال حاضر کمپین بسیار مهمی برای آزادی کارگران زندانی به نام "آنها را فوری آزاد کنید" در جریان است که کمپنه ما با تمام قدرت به پیشبرد این کمپین کمک خواهد کرد. ما همچنین در رابطه با ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران اقداماتی در دست داریم تا بتوانیم در

دست بدهند. ایستادگی و شجاعت زندانیان سیاسی در زندانها و خانواده هایشان، خبر رسانیشان و ارسال نامه هایی به خارج از زندان خطاب به مردم دنیا بیشترین تاثیر را داشته است. به علاوه به یمن مبارزات در سراسر دنیا در دفاع از زندانیان سیاسی توجه افکار عمومی هر چه بیشتر به سوی وضعیت زندانها و فشار به جمهوری اسلامی جلب شده است. در روز ۷ اوت کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در سراسر جهان روز اعتراضی در دفاع از زندانیان سیاسی اعلام کرد که در ۱۴ شهر جهان تظاهرات برپا شد. حرکتی از این قبیل بیشترین تاثیر را در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران دارد. در طی یکسال اخیر موارد نسبتا زیادی بوده است که زندانیان به طور فردی و جمعی دست به اعتصاب غذا زده اند اما تقریبا در هیچ موردی موثر نبوده است. به نظر من اعتراضات مردم در ایران و حمایتهایی که از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان میشود، ایستادگی

زندانیان و خبر رسانی از داخل زندان حرکات و تجمعات مستمر و شجاعانه و وسیع خانواده های زندانیان، اعتراضات و فشار بین المللی روی جمهوری اسلامی حلقه های بسیار مهم و کلیدی در حمایت از زندانیان سیاسی میباشد. انترناسیونال: فکر میکنم چگونه میشود مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را گسترش داد؟ مشخصا در داخل و همچنین در خارج بر روی چه شکالی از اعتراض تاکید دارید؟

شیوا محبوبی: گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در داخل و خارج در گرو مستمر بودن، وسیع بودن و جهانی بودن این مبارزه و تلاش میباشد. توازن قوا و روند مبارزات مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقش کلیدی در گسترش این تلاش دارد. در داخل ایران باید خواست آزادی زندانیان سیاسی را در سطح هر چه وسیعتری پیش برد و اعتراضات وسیعی در این رابطه سازمان داد. در طول یکسال اخیر خانواده های زندانیان سیاسی اقدامات و حرکات شجاعانه و بیسابقه ای در حمایت از عزیزانشان انجام داده اند. عده ای از مادران موسوم به مادران عزادار با تجمع مستمرشان ابتکار جالب و قابل توجهی انجام داده اند اما این

احکام زندان برای افراد منتسب به بهائی محکوم است!

فوری و بی قید و شرط زندانیان منتسب به بهایی و همه زندانیان سیاسی هستیم.

جمهوری اسلامی يك حکومت کثیف مذهبی است و باید بخاطر همه جنایاتش از سنگسار و اعدام و قصاص و حجاب و آباتاید جنسی گرفته تا زندان و نابود و محروم کردن مردم به جرم اعتقادات متفاوت مذهبی، محکوم و مطرود گردد. ما خواهان جدایی اکید دولت از مذهب، لغو هرگونه مذهب رسمی، لغو انتساب شهروندان به مذاهب توسط دولت و برقراری يك جامعه غیر مذهبی متکی بر آزادی مذهب و لامذهبی هستیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ مرداد ۲۰۱۰، ۱۲ اوت ۲۰۱۰

جلب کرد و يك حرکت جهانی، مستمر و قوی را سازمان داد تا حلی که دولتهای کشورهای مختلف و مجامع بین المللی را وادار به عکس العمل کرد. خواست محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و بستن سفارتخانه های این رژیم باید به طور جدی و عملی جزو خواستههای اعتراضات در خارج کشور باشد. تعداد بسیار زیادی از ایرانیان مقیم خارج از دست رژیم اسلامی و شکنجه و زندان فرار کرده اند. تک تک این افراد میتوانند در گسترش این اعتراضات سهم بسزایی داشته باشند. زندانیان سیاسی در داخل زندان شجاعانه در زیر شکنجه ایستادگی کرده اند و از تک تک ما انتظار دارند که که موثر و وسیع از آنها حمایت کنیم و جمهوری اسلامی را به زانو در بیاوریم. فراموش نکنید همین حالا که شما این سطور را میخوانید صدها زندانی سیاسی در زیر شکنجه و در "سنگونیهها" در حال زجر کشیدن هستند و هر لحظه ممکن است جانشان را از دست بدهند.

هفته گذشته جمهوری اسلامی هفت نفر زندانی سیاسی را که به جرم بهایی بودن ماهها در حبس نگاه داشته است، به ۲۰ سال زندان برای هر يك محکوم کرد! این به دنبال اقدام جنایتکارانه اخیر در حمله به خانه های افراد منتسب به بهایی در شمال کشور و ویران کردن سבעانه کاشانه مردم بود.

جمهوری اسلامی از همان ابتدای حاکمیت ننگین اش انواع جنایات را نسبت به مردم منتسب به اقلیت های مذهبی روا داشته است. این اقدامات که از زندان و شکنجه و اعدام و ترور تا پاکسازی در محل کار و زیست و به آتش کشیدن مراکز دیگر فرقه های دینی و اعمال انواع محرومیت را در بر میگیرد، مصداق جنایت علیه بشریت است. حزب کمونیست کارگری این تضیقات و جنایت را به شدت محکوم میکنند. ما خواهان آزادی

ابتکارات باید وسیعتر شده و در شهرهای دیگر ایران نیز صورت بگیرد. خانواده های زندانیان سیاسی باید از هر طریقی مورد حمایت مردم قرار بگیرند. از طرفی باید تعداد هر چه وسیعتری از مردم از تجمعات در حمایت از زندانیان سیاسی حمایت کنند. سراسری بودن و وسیع بودن يك حرکت اعتراضی رژیم را فلج کرده، در حالت دفاعی قرار میدهد و توجه افکار عمومی را بیشتر جلب میکند. در عین حال خبر رسانی از داخل زندان و در رابطه با زندانیان سیاسی بسیار مهم است. يك ویژگی مبارزات این دوره این بود که رو به مردم جهان و مجامع بیان المللی بوده است. برای مثال بهروز جاوید تهرانی در مورد زندان به خانواده اش تنها نامه نمی نویسد بلکه به سازمان ملل و مردم دنیا نامه مینویسد. این روش بسیار موثری بوده است چرا که زندانی سیاسی مردم جهان را مورد خطاب قرار میدهد. در خارج از ایران هم باید با تمام نیرو و ابتکار تلاش کرد توجه افکار عمومی را به وضعیت زندانیان سیاسی و خواست آزادی آنها

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

دولتها و جنبشها در ... از صفحه ۱



حمید تقویایی

تحول در این زمینه است. دو هفته قبل نیز رئیس جمهور برزیل علنا برای پذیرش سکینه و خانواده اش اعلام آمادگی کرد. اینها دو نمونه مشخص از اعتراض دیپلماتیک به جمهوری اسلامی از زاویه دردها و خواستههای مردم ایران است. این نمونه موفقی از تاثیر فشار خیابان بر کزیدوهای دیپلماسی است.

ما همیشه تاکید کرده ایم که میتوان و باید با اعمال فشار به دولتها و نهادهای بین المللی آنها را وادار کرد که جمهوری اسلامی را برسمیت نشناسند. میتوان و باید چنان کارزار قدرتمندی حول مسائل و دردها و آسماں توده مردم ایران بعنوان رژیم ترور و جنایت علیه مردم ایران از سوی افکار عمومی و رسانه ها و نهایتا در نتیجه از سوی دولتها و نهادهای بین المللی محکوم شود و مورد اعتراض قرار بگیرد.

روشن است که دولتهای غربی از زاویه منافع و مصالح دیپلماتیک خود به جمهوری اسلامی برخورد میکنند و از همین زاویه است که تا امروز دولتهای آمریکا و اروپای واحد سیاست هویج و چماق را حول مسائلی نظیر پروژه هسته ای و دخالت رژیم اسلامی در منطقه و غیره در پیش گرفته اند. اما تاریخ بر مبنای خواست و اراده دولتها به پیش نمی رود. نیروی پیش برنده تاریخ جدال جنبشهای طبقاتی است و نه اراده طبقات حاکم. بقول منصور حکمت: "...در این شک نیست که رویارویی غرب با اسلام سیاسی به تضعیف جنبش اسلامی و احزاب و دولتهای این جنبش منجر میشود. اما این کشمکش در یک صحنه خالی صورت نمیگیرد. خاورمیانه، همچنان که خود غرب، صحنه جدال جنبشهای اجتماعی ای است که مقدم بر این کشمکش بورژوازی غرب با اسلام سیاسی وجود داشته اند و روند سیاسی در جوامع مختلف را شکل داده اند. جدال غرب با اسلام سیاسی، با همه اهمیتی که دارد، نیروی محرکه و موتور پیشبرنده تاریخ در این جوامع نیست، برعکس، خود در متن این تاریخ قرار

میدای اصلی غرب قرار گرفته است. در چنین جو و فضای سیاسی است که مساله سنگسار و اعدام سکینه به یک موضوع انتخاباتی در برزیل تبدیل میشود و آقای لولا داسیلوا ناگزیر میشود در این مورد موضع بگیرد و یا خانم هیلاری کلینتون در قالب مخالفت با اعدام و خواست آزادی زندانیان سیاسی اعلام کند. تا یکماه قبل حتی در اوج مبارزه انقلابی مردم در تابستان گذشته، نقد و اعتراض آمریکا و سایر دولتهای غربی به جمهوری اسلامی لحن و مضمون کاملا متفاوتی داشت. سیاستها و اهداف این دولتها تغییر نکرده است، بلکه در یک سطح میلیونی اعتراض چپ و رادیکال به جمهوری اسلامی حول مساله سنگسار سکینه بالا گرفته است و دولتها را بدنبال خود کشانده است.

بازتاب این عروج مبارزه و اعتراض رادیکال چپ در موضعگیری و عملکرد جنبشها و احزاب و نیروهای دیگر اپوزیسیون نیز کاملا قابل مشاهده است. چهره ها و سخنگوهای اپوزیسیون ملی-اسلامی کارزاری که توجه ده ها میلیون مردم جهان و رسانه های چون سی ان ان و بی بی سی و تایمز و گاردین و اشترن و یاری ماچ را بخود جلب کرده است را عمدتا با سکوت برگزار میکنند و نادیده اش میگیرند. مساله سنگسار و اعدام مساله مورد علاقه اپوزیسیون ملی - اسلامی حکومت نیست. زیادی ضد اسلامی و سرنگونی طلبانه است! برخورد نیروهای اپوزیسیون راست ناسیونالیست به این مساله نیز کمابیش در پیش گرفتن همین سکوت مصلحت اندیشانه است. بخصوص که مبتکرین و پیشروان و رهبران این کمپین از فعالین و شخصیتهای شناخته شده حزب کمونیست کارگری هستند و این به تنهایی کافی است تا نیروهای راست و اسلامی اپوزیسیون را کاملا محتاط و دست به عصا بکند.

این عکس العمل نیروهای اپوزیسیون راست و اسلامی خود ناشی از مخالفت طبقاتی آنها با خصلت و مضمون چپ و رادیکال کارزار جاری علیه سنگسار است. حزب ما در واقع با کمپین علیه

سنگسار به نمایندگی از چپ جامعه و در تمایز کامل از کل اپوزیسیون راست و ملی-اسلامی در برابر جمهوری اسلامی ایستاده و با نقد و اعتراض انسانی به جنایات رژیم، افکار عمومی و مردم و حتی دولتهای دنیا را به تحرك واداشته است. اما سایر نیروهای چپ علی العموم این موقعیت را درک نمیکنند و باید گفت متأسفانه عکس العملی بهتر از نیروهای اپوزیسیون راست از خود نشان نمیدهند. اپوزیسیون راست بخاطر اهداف و سیاستهای ارتجاعی و ضد انقلابی اش و چپ غیر کارگری اساسا بدلیل غیر سیاسی، ایدئولوژیک و حاشیه ای بودنش از این کارزار خود را کنار کشیده اند و این یکبار دیگر بر موقعیت منحصر بفرد و ویژه حزب ما در سازماندهی و پیشبرد مبارزه علیه جمهوری اسلامی تاکید میکند.

در این میان البته عامل اصلی توده مردم هستند، مردم ایران و مردم جهان. پیشروهای کارزار علیه سنگسار بیش از پیش راه نفوذ نقد و اعتراض چپ و انسانی به جمهوری اسلامی و جنایات این حکومت را در میان و در دل توده مردم باز میکند و بهمین نسبت اختلافات و اصطکاکات دولتها با رژیم اسلامی را به حاشیه میراند. این تبلور مشخص سر بلند کردن جهان متهمان در برابر دو قطب تروریستی است. در این نبرد ما مردم را از راست، از دولتهای غربی، از اپوزیسیون اسلامی و ناسیونالیستی رژیم و از مخالفت خوانیهای الکن و توهم انگیز اسلامی ناسیونالیستی به آخوندهای حاکم جدا میکنیم، به آرمانهای انسانی و به سوسیالیسم نهفته در درون همه شهروندان شریف و منصف دنیا رجوع میکنیم و به این ترتیب چپ، چپ کمونیسم کارگری را به مرکز سیاست در ایران و در دنیا میبریم.

این کارزار نقطه عطف و گام تعیین کننده ای در سیاست طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی است. اهرم ما در این نبرد همواره اعمال فشار به دولتها از طریق جلب

افکار عمومی و بسیج مردم شریف دنیا بوده است و امروز تبدیل شدن مساله سکینه به یک موضوع انتخاباتی در برزیل و عکس العمل رئیس جمهور این کشور به این مساله یک نمونه عملی موفق از این نوع تحت فشار قرار گرفتن دولتها را نشان میدهد. این نتیجه یک کار لابی ایستی و دیپلماتیک نیست، اگر چنین بود آقای لولا اعتراضش را پشت درهای بسته مطرح میکرد. این بازتاب و دستاورد تسخیر میدیای جهانی، افکار عمومی مردم دنیا و تظاهرات و آکسیونهای خیابانی است. این عبارات دیگر مصداق و نمونه کنکرت تحمیل خواست مردم به دولتها است. لولا ناگزیر است علیرغم رابطه حسنه اش با رژیم اسلامی علنا از سکینه دفاع کند چون به نظر و رای موافق مردم خود نیازمند است. این مکانیسم واقعی اعمال فشار به دولتها در جهت طرد دیپلماتیک جمهوری اسلامی است و میتواند در کشورهای دیگر نیز اتفاق بیافتد. ما همیشه گفته ایم و تاکید کرده ایم که میتوان کاری کرد که هر دولتی که نخواهد در میان مردم کشور خودش بی آبرو و منزوی شود، رژیم اسلامی را برسمیت نشناسد و رابطه دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کند. و امروز با اتکا به افق و امکانات تازه و نوید بخشی که در برابر ما گشوده میشود این هدف بیش از هر زمان دیگری به امری عملی و قابل تحقق تبدیل شده است.

ما در گام بعدی سازماندهی اکسیون بزرگ صدشهر جهان علیه سنگسار را پیش رو داریم. چهار نهاد کمیته بین المللی علیه سنگسار، کمیته بین المللی علیه اعدام، ایران سولیدارتی و میشن فری ایران فراخوان دهنده این اکسیون هستند و حزب با تمام توان خود از این حرکت حمایت میکند و به آن یاری میرساند. سازماندهی و برگزاری موفقیت آمیز این اکسیون رژیم منفور جمهوری اسلامی را بیش از پیش در جهان رسوا و بی آبرو خواهد کرد و میخ دیگری بر تابوت این حکومت جنایتکار خواهد بود. *

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات بر د، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶ : FEC، پلازیاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران

در شبکه KBC ببینید.

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

جنگ مکاتب یا جنگ

حکومت و مردم

یاشار سهندی

هفته گذشته سخنرانی یکی از بازجویان جمهوری اسلامی به نام "سردار مشفق" منتشر شد. این پاسدار به سناریویی اشاره میکند که خود تدارک آنرا دیده اند که "اصلاح طلبان" رژیم را تصفیه کنند. این از شیوه روتین جمهوری اسلامی بوده است. هر گاه خواسته اند گروهی را سرکوب کنند دست به سناریو سازی میزنند که از رابطه با آمریکا تا روابط جنسی در این سناریو جا دارد. اینها ظاهرا برای این است که جامعه را قانع کنند تا توجیهی باشد برای سرکوب گری ایشان. اما سوال اینجاست که چرا اکنون این سخنرانی منتشر شده است؟ چه کسانی را میخواهند قانع کنند؟ مسلم است که توده مردم "هدف" نیستند. چون این مردم در یکسال گذشته بخصوص نشان داده اند که این سناریوهای کثیف دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی که از ذهن بیمار امثال حسین شریعتمداری ها و سردار مشفق ها بیرون میزند کارساز نیست. در دهه هفتاد برنامه ای به نام "هویت" از سیمای جمهوری اسلامی پخش میشد تا مثلا نویسندگان و شعرا را از چشم مردم بیندازند تا بعد بتوانند آنها را نابود کنند. این برنامه ها جز ایجاد نفرت بیشتر بر علیه سازندگان آن هیچ ثمری نداشت. اکنون اما "هدف" صفوف خود "اصولگرایان" است. امیر محبیان از نظریه پردازان این باند جمهوری اسلامی به صراحت گفته که: "اصولگرایی معضل نظام شده است". مصباح یزدی معروف به "پدر معنوی" احمدی نژاد با نگرانی اشاره کرده است که "فتنه شدیدتری" نظام را تهدید میکند و هشدار داده که افرادی دیگری از رژیم ریزش خواهند کرد و چند روز بعد مستقیما دولت احمدی نژاد را هدف گرفت و گفت: "کسانی که بی شرمانه مکتب ایران را به جای مکتب اسلام معرفی می کنند، خودی نبوده غیر خودی اند و باید حواسمان جمع باشد". اشاره او به

بیشتری نشان دهد. انتشار سخنرانی مشفق از یک سو هشدار به صفوف بهم ریخته شان است که در محاصره مردم هستند. او اشاره کرده که در تهران تعدادی محدودی خانواده (!) علیه نظام هستند و ما شاهد بودیم که در روز ۶ دی این "تعداد محدود" این رژیم را تا مرز سقوط پیش بردند. از سویی این نزاعها تهدید همدیگر است. همان بلایی که سر باند موسوی و کروبی خاتمی و رفسنجانی آوردند در انتظار همه هست. هر باندی از این رژیم میتواند در سخنرانی مشفق عیان است. توطئه چینی و زندان و شکنجه و قتل شیوه همیشگی کارگزاران جمهوری اسلامی است برای خفه کردن همدیگر و اپوزیسیون. سونامی احمدی نژاد قرار بود با همین روشها "دهه خوش ۶۰" را حیا کند. اما احمدی نژاد سونامی است که قبل از اینکه تماما مدفون شود دارد "خودپها" را نابود میکند. هر گونه تقلای رژیم برای خلاصی از این سونامی نابودی خودش را در پی خواهد داشت و ماندن بیشتر از این دولت احمدی نژاد هم حکم نابودی شان را دارد. اینها همه نشانه قدرت انقلاب مردم است که برای این رژیم سفاک نه راه پس گذاشته و نه راه پیش. سه ماه است که دارند زور میزنند که شاید روسری زنان روی سرشان بماند و یا مانتهایشان که روز به روز آب میبرد بلندتر گردد. اما درست برعکس زنان روز به روز از قد و بالایی حجاب اسلامی دارند میزنند. حزب الله آشکارا اعتراف کرده که در این جامعه جای ندارد، در مراکز که مردم شاد هستند غریبه هستند. البته همیشه همین گونه بوده چیزی که فرق کرده این است که به مانند گذشته نمی توانند عریه کشی و چماق کشی کنند و از نیروی انتظامی مدد خواسته اند. نیروی انتظامی اما خود در کار خویش درمانده شده است. در یک هفته گذشته این نیرو بارها هشدار داده که در ماه رمضان هر کس که "روزه خواری" کند را چنان میکنیم و چنین. و همین هشدارهای پی در پی نشان میدهد که شیرازه اسلامی این حکومت در حال نابودی است. جنگ اگر که هست، که هست؛ جنگ بین

مکتب اسلام است و مردمی که مکتب شان رفاه و شادی است. و این مکتب شادی هنوز که این جمهوری سیاه و نکبت بار حاکم است به پیروزیهای برگشت ناپذیری دست یافته است. این را همه کارگزاران رژیم فهمیده اند برای همین بیشتر از پیش پای همدیگر را لگد میکنند، و همدیگر را تهدید به نابودی میکنند.*

معضل ماه رمضان حکومت



غلام اکبری

زمانی بود که ایام به اصطلاح مذهبی برای حکومت اسلامی موهبتی بود برای تحکیم پایه های حاکمیت منحوسش. اما مدتهاست که مردم و بویژه جوانان از این ایام برای نشان دادن نفرتشان از حکومت و قوانین و سنتهای اسلامی استفاده میکنند. بویژه سال گذشته عاشورا و تاسوعا و قدس و امثال اینها به غذای جمهوری اسلامی تبدیل شد و مانده بودند که چگونه این روزها را بی بلا از سر بگذرانند. اکنون گرچه آن تب و تاب روزهای انقلاب عجالتا فروکش کرده اما وحشت حکومت به درست سرجای خویش باقی است. حتی در ماه رمضانشان باید شاخ و شانه بکشند و لشکر کشی کنند که مردم "تظاهر به روزه خواری" نکنند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای اعلام کرده است که: "عذر شرعی، مجوزی برای تظاهر به روزه خواری محسوب نمیشود" در اطلاعیه آمده است: "روزه خواری در معابر و امکان عمومی از نظر شرعی حرام و از نظر قانونی از مصادیق جرایم مشهود و قابل تعقیب است. باید تاکید کرد که عذر شرعی مانند بیماری و مسافرت مجوزی برای تظاهر به روزه خواری محسوب نمیشود". در این حکمی که

نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی منتشر کرده است يك حقیقت نهفته است که نشانه زبونی حکومت اسلامی و حامیانش است. اینها بعد از گذشت ۳۱ سال از حکومت ننگینشان با در دست داشتن تمام امکانات و با همه کشتار و جنایاتشان و با وجود اینکه اکثریت جمعیت کنونی در دوران حکومت ننگین ایشان بدنيا آمده اند، به اینجا رسیده اند که رضایت میدهند که مردم "تظاهر به روزه خواری نکنند" و در عین حال اعتراف میکنند که بخشهایی از جوانان و مردم نه فقط روزه نمیگیرند بلکه به روزه خواری تظاهر میکنند یعنی جلوی چشم دیگران روی واجبات اسلامی پا میگذارند. بله حقیقتی که در حکم نیروی انتظامی نهفته است، این است که مردم ایران "مسلمانانی" نیستند که بیصبرانه انتظار خبر رویت هلال ماه را میکشند، بلکه اکثری بخصوص نسل جوان، سکولارهایی هستند که نه تنها برای مذهب و خرافه هیچ تریه ای خورد نمیکنند بلکه برای خلاص شدن از دست این قاتلین کپک زده و درهر فرصتی که پیش آمده است به خیابان ها ریخته اند و اعلام کرده اند که حکومت مذهبی نمیخواهند، در این راه حتی کشته و اسیر داده اند. شکنجه و اعدام هم طی این ۳۱ سال عمر ننگین حکومت اسلام توانسته آنها را "مسلمان" کند. حتی کم کردن ساعت کار ادارات و وعده ۷۵۰ میلیارد تومان از جانب دولت "برای بسته حمایتی ماه مبارک رمضان" هم باعث نخواهد شد که مردم به استقبال ماه رمضان بروند. امروز و بویژه بعد از تظاهراتهای وسیع سال گذشته همه دنیا میدانند که اگر جمهوری اسلامی هنوز برقرار است، نه از سر تزویر و رای مذهبی ایشان و یا خوش باوری مردم ایران است، بلکه بخاطر این است که با گله قداره بند، زندان، شکنجه، سنگسار و اعدام شان توانسته اند خود را عجالتا بر مسند حکومت نگه دارند.*

**یک دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!



و نیروهای سرکوب و ثروت های افسانه ای سرمایه داران بزرگ، روسای قبایل و امرای ارتش را در نظر بگیریم، می توانیم تصور کنیم که همه مردم پاکستان می توانند از مسکن، بهداشت، آموزش و سایر امکانات یک جامعه متمدن برخوردار باشند. صدمات جانی و مالی سیلاب های اخیر پاکستان می توانست صدها برابر کمتر باشد، اگر در قوانین حاکم بر جامعه زندگی انسانها ارزش داشت و اگر قانون سرمایه در آن کشور حکم نمی راند. پاکستان فقط یک نمونه است، دنیا را باید بر قاعده خود قرار داد تا در هیچ کجا شاهد بروز چنین فجایعی نباشیم. این تنها راه نجات بشریت از نیروهای مخرب طبیعی و غیر طبیعی است.*

جامعه ایران است در این شبکه پخش نخواهد شد. این تلویزیون دشمن برابری زن و مرد است و حتما در این مورد ساکت خواهد بود. جدائی مذهب از دولت، دستگاه قضائی و آموزش و پرورش در این تلویزیون جانی ندارد. آزادی بی قید و شرط بیان و احزاب ربطی به این تلویزیون ندارد و قبل از هر چیز این تلویزیون مخالف سرسخت سرنگونی جمهوری اسلامی است. تلویزیون رسا در کنار صدا و سیما رژیم و در کنار هزاران آخوند مفتخور مروج اسلام قرار خواهد گرفت. برای مردم فرق نمی کند کدام تلویزیون "اسلام رحمانی" و کدام "اسلام غیر رحمانی" را ترویج می کند. آنها می خواهند دست هر نوع اسلام را از زندگی خود کوتاه کنند. تلویزیون رسا برای مردم آشنا است. این نوزادی ناقص الخلقه است که با عمامه و ریش متولد شده و با هیچ بزکی نمی توان آن را پنهان کرد. مردم را نمی شود گول زد.*

جمعیت پاکستان بیش از دویست میلیون نفر است. اکثریت این جمعیت از محرومترین مردم دنیا هستند، از حداقل سطح زندگی برخوردارند. میلیونها نفر در زاغه ها و خانه های مقوایی زندگی می کنند. با توجه جغرافیای پاکستان بروز سیلاب ها و زمین لرزه طبیعی است. اما بحث بر سر اینست که فاجعه آفرینی زلزله حاصل فقر و محرومیت شدید و عمیق اکثریت مردم است. دهها میلیونها نفر در مناطق جلگه ای کم ارتفاع و در معرض خطر سیل و یا در مناطق روی خط زلزله زندگی می کنند و از هر گونه امکانات دفاعی در مقابل سوانح طبیعی محرومند. ایمن ساختن زندگی مردم پاکستان در مقابل این سوانح کاملا امکان پذیر است. اگر به منابع و ثروت های عظیم پاکستان، هزینه هنگفت ارتش

این برنامه تفاوتی با سیمای جمهوری نداشت و هیچ کس علاقه ای به دیدن آن نشان نداد. گردانندگان آن ناچار شدند که آن را تعطیل کنند. یک سال قبل مهدی کروبی برای تأسیس تلویزیون صبا اقدام کرد و بهروز افخمی را بعنوان مدیر آن تعیین نمود که حکومت مانع کار آن شدند و آن را متوقف کرد. تجربه تلویزیون هما مفید واقع نشد و دست به تأسیس تلویزیون رسا در خارج کشور زدند. در این چند روزه بیشتر برنامه های امروز شبکه سبز رسا را مصاحبه ها و دیدگاههای حاکمان آن دوره از قبیل میرحسین موسوی، کروبی، هاشمی رفسنجانی، خاتمی و... تشکیل داده است. به کمک امکانات مالی فراوان که خرید برنامه های سرگرم کننده را امکان پذیر می کند و همچنین دسترسی به کانال هایی در درون حکومت و امکان تهیه خبر، ممکن است این شبکه بتواند برای مدتی کوتاه توجه ها را به خود جلب کند اما مسلما آنچه که نیاز مردم و

فیلم ها و گزارش های منتشره نشان می دهد که اکثریت آسیب دیدگان این سیل کارگران، کشاورزان و مردم فقیر ساکن مناطق محروم هستند. با پیشرفت های عظیم علم هواشناسی بروز باران های شدید و بروز سیلاب ها در این مقیاس بزرگ قابل پیش بینی است. کاملا مشخص است که مقامات پاکستانی کمترین توجهی به این امر نداشته اند. دولت پاکستان کمترین اهمیتی به خطر بزرگی که جان مردم را مورد تهدید قرار داده نداد و پس از بوجود آمدن سیلاب ها و کشته شدن صدها نفر کمک رسانی را آنهم در سطحی بسیار محدود شروع کرده است. در صورتی اگر همین دولت احتمال بروز یک اعتصاب کارگری و یا تظاهرات را بدهد، نیروهای سرکوب خود را از قبل و در سطح وسیع در محل های مناسب مستقر می کند. یک محاسبه سرانگشتی نشان می دهد که درصد کمی از هزینه پلیس ضد شورش و ارتش پاکستان می توانسته است پل ها، جاده ها، منابع آب آشامیدنی را امن و از خطر سیلاب محفوظ ساخته و زندگی هزاران نفر را نجات دهد. بخش کوچکی از هزینه ارتش و رقابت های نظامی و تسلیحاتی آن می تواند برای میلیونها نفر مسکن مناسب و در امان از خطر سیلاب و امکانات درمانی و بهداشتی بوجود آورد.

شبکه در سایت کلمه که متعلق به میرحسین موسوی است، انتشار یافت. این جماعت در طی دوره ای طولانی صدا و سیما جمهوری اسلامی را در اختیار داشته اند و اگر سرود "انجزه انجزه" را بعنوان آرم برنامه خود پخش کنند، تلویزیون آنها می توانند تکرار سیمای جمهوری اسلامی قدیم باشد. برنامه هایی که در آن اخبار و تصاویر اعدام هزاران زندانی سیاسی پخش شد، برنامه هایی که کشتار مردم در کردستان و ترکمن صحرا و گوشه و کنار ایران را مقدس اعلام می کرد، برنامه هایی که بخشنامه های دولتهای موسوی و رفسنجانی را در مورد اجرای قوانین ضد زن اسلامی را تبلیغ می کرد و برنامه هایی که به مدت ۸ سال صد ها هزار نفر جوان را به جبهه های جنگ فرستاد و جان آنها را گرفت. ایجاد یک شبکه تلویزیونی مدنظر است که در دستور کار اصلاح طلبان جمهوری اسلامی قرار داشت. برای مدتی تلویزیون هما را به راه انداختند.

بازتاب هفته

فاجعه عظیم زلزله در پاکستان چندان هم طبیعی نیست



بهروز مهر آبادی

یک فاجعه "طبیعی" دیگر! آخرین گزارش گویای اینست که سیل در پاکستان بیش از ۱۵ میلیون نفر را بیخانمان کرده است. آمار رسمی دولت پاکستان تعداد کشته شدگان را بیش از ۱۶۰۰ نفر اعلام کرده که روشن است که با واقعیت بسیار فاصله دارد و شمار قربانیان بسیار بیش از اینهاست. تعداد زیادی هنوز ناپدید هستند و هیچ اثری از آنها در دست نیست. سیل بیشتر مناطق شمال غربی پاکستان را فرا گرفته است اما مناطق گسترده و بسیار وسیعی در اثر سیل ویران شده است. صدها هزار خانه ویران شده و مزارع و احشام از بین رفته اند. جاده ها و پل های بسیاری بر اثر سیل از بین رفته اند و خطوط برق و تلفن در بسیاری از نقاط قطع شده است. چاه ها و

نوزادی با ریش و عمامه!

بهروز مهر آبادی

جمهوری اسلامی معتقدند. این شبکه را مستقل از احزاب و سازمانها و نهاد های سیاسی اعلام کرده اند، اما توضیحات بیشتر بیانیه نشان می دهد که این یک تعارف خشک و بی محتواست. وگرنه تأکید بر حفظ تمامیت ارضی و روشهای مسالمت آمیز در مقابل حکومت اسلامی که علامت رمز ضدیت با انقلاب علیه حکومت است و اعلام وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی و حاکمیت قانون، تابلو تعلق و وابستگی کامل به احزاب و سازمانهای راست و ملی اسلامی و حتی آشکارا طرفدار نظام اسلامی است. تا همینجا تردیدی نیست که این شبکه به دست اندرکاران قبلی جمهوری اسلامی تعلق دارد. گفته می شود که مدیریت این شبکه با عطاالله مهاجرانی است و محسن کبیر و بهزاد نبوی از دست اندرکاران و گردانندگان آن هستند. اطلاعاتی این



اطلاعیه شماره ۱۹: اخباری از احکام زندان برای فعالین کارگری و احضار و تهدید آنان

برگزاری جلسه دادگاه ۷ تن از فعالین کارگری اشنویه

اشد در قزوین دستگیر و ۱۱۰ روز زندان بود و به تازگی با قرار وثیقه از زندان آزاد شده و در انتظار تشکیل جلسه دادگاه بعدی اش بسر میبرد. اکنون مسئولان کارخانه نیز وی را از کار اخراج کرده اند.

این سیاست جمهوری اسلامی است. کارگران معترض و چهره های محبوب کارگری را دستگیر و زندانی میکند و بعد هم با اخراج آنها از کار تلاش میکند رابطه آنان را با کارگران دیگر قطع کند. جمهوری اسلامی از حضور این کارگران در محیط های کار که عمدتاً سخنگویان اعتراضات کارگران هستند و از نفوذ و نقششان وحشت دارد. این همان سیاستی است که ۴ سال است در قبال کارگران سندیکیای واحد اتخاذ شده است و همین امروز شاهدیم که ۶ رهبر شناخته کارگران سندیکیای شرکت نیشکر هفت تپه فریدون نیکوفر، علی نجاتی، محمد حیدری پور، جلیل احمدی قربان علی پور و رضا رخشان به همین شکل از کار خود اخراج شده و زیر فشار دایم قرار دارند. این اخراج ها مستقیماً فشارش بر روی خانواده این کارگران وارد شده و این خود نیز فشار را بر روی این کارگران مضاعف میکند. از سوی دیگر جمهوری سعی میکند با باز نگاه داشتن پرونده فعالین کارگری و نگاهداشتن دایمی چماق زندان و احضار و دستگیری بر روی سر آنان، مبارزات کارگران را عقب زند. باید در مقابل این فشار ها ایستاد. اخراج تصور تقی پور از کار باید مورد وسیعترین اعتراض ها قرار گیرد.

بنابر گزارشات منتشر شده صبح روز یکشنبه ۱۰ مرداد جلسه محاکمه ۷ تن از فعالین کارگری شهرستان اشنویه به نامهای صمد احمدپور، رحمان تنها، رحمان ابراهیم زاده، حسین پیروتی، عباس هاشم پور، عیسی ابراهیم زاده و فتاح سلیمانی در شعبه اول دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر ارومیه به ریاست قاضی درویشی و با حضور فریدون احمدی، وکیل مدافع فعالین کارگری برگزار شد.

دادگاه این فعالین کارگری را به اتهامات واهی محاکمه کرد و کارگران این اتهامات را رد کرده و داشتن تشکل را حق خود دانستند. جلسه با جویبی یکساعت بطول انجامید و سرانجام قاضی پرونده اعلام داشت که تصمیم گیری متعاقباً به آنها اطلاع داده خواهد شد. بدین ترتیب از خانواده ابراهیم زاده هم اکنون بهنام در زندان است و از ۲۲ خرداد تا کنون از او خبری در دست نیست و پدر و برادرش رحمان و عیسی ابراهیم زاده نیز مرتباً زیر فشار احضار و تهدید و زندان هستند و این فشار را بر روی این خانواده صد چندان کرده است.

دادگاه جمهوری اسلامی، دادگاه محاکمه کارگران بخاطر تلاش برای ساختن تشکل خود است. محاکمه کارگران بخاطر برپایی تجمع و اعتراض است. در حاکمیت جمهوری اسلامی کارگران و کل جامعه از حق تشکل و اعتصاب و تحزب محرومند و هر گونه اقدامی در این جهت، اقدام علیه امنیت نظام محسوب شده و با زندان و دستگیری پاسخ میگیرد.

تلاش برای ایجاد تشکل یک عرصه دائمی مبارزه کارگران و مردم با رژیم اسلامی است و کارگران در این عرصه تا کنون گامهای مهمی به جلو برداشته اند. کارگران اعلام داشته اند که ایجاد تشکل امر خود آنان است و نیازی به مجوز ندارد.

اخراج تصور نقی پور کارگر کاشی و سرامیک قزوین، از کار بعد از تحمل ۱۱۰ روز زندان

تصور نقی پور کارگر کاشی و سرامیک قزوین. او در ۱۱ اسفند سال ۸۸ بخاطر مبارزاتش، در منزل پدری

جمهوری اسلامی به ریاست قاضی جنایتکار جمهوری اسلامی، صلواتی، رسول بداتی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران را به ۶ سال زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیتهای اجتماعی محکوم کرد. بنا بر گزارشات یک سال از این حکم به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و ۵ سال دیگر به اتهام "تبیانی و تجمع به قصد برهم زدن امنیت ملی" صادر شده است. دادگاه جمهوری اسلامی برای محاکمه رسول بداتی روز چهاردهم تیرماه برگزار شد.

رسول بداتی از دهم شهریورماه سال گذشته در بازداشت به سر می برد و از اردیبهشت ماه سال جاری به زندان رجایی شهر در کرج تبعید شده است. رسول بداتی باید فوراً از زندان آزاد شود و احکام صادر شده برای او را قویاً محکوم کنیم.

یک بخش مهم حکم رسول بداتی محروم کردن او از فعالیت های اجتماعی است. جمهوری اسلامی رژیم شلاق و زندان است. باید در مقابل احکام قرون وسطایی و وحشیانه اش ایستاد.

مبارزه برای افزایش حقوقها، مبارزه برای یک زندگی انسانی از نظر جمهوری اسلامی، اقدام علیه امنیت ملی است. جمهوری اسلامی که از متشکل شدن کارگران و معلمان و بخش های مختلف جامعه و مبارزانشان وحشت دارد، هر تلاشی در این زمینه را جرم دانسته و ابزارش برای عقب زدن این مبارزات دستگیری و زندان است. اکنون رسول بداتی معلم زندانی بخاطر همین مبارزات به ۶ سال زندان محکوم شده است و منصور اسانلو رییس سندیکیای واحد و ابراهیم مددی و رضا شهابی دو کارگر دیگر عضو این سندیکا تحت همین عناوین در زندانند و رهبران و فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی همواره با همین "جرایم" زیر فشار و تهدید قرار دارند و دستگیر و زندانی میشوند.

مبارزه سراسری برای آزاد کردن کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان گام مهمی در تشبیت حقوق پایه ای و اولیه حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی بدون قید و شرط عقیده و بیان است. گام مهمی برای باز کردن فضای اعتراض و مبارزه و پیشبرد قدرتمندتر مبارزاتمان و عقب راندن جمهوری اسلامی است. با تمام قوا برای آزادی کارگران زندانی و

در اطلاعیه قبل به اطلاعاتتان رساندیم که منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکیای واحد روز یکشنبه ۱۰ مرداد در شعبه ۱ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در کرج مجدداً مورد محاکمه قرار گرفت. به گزارش منتشر شده از سوی سندیکیای واحد، بدنبال این محاکمه، دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در کرج، بیشرمانه منصور اسانلو را با اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس تعزیری محکوم کرده است.

جرم منصور اسانلو تلاش برای ساختن سندیکیای واحد، بر پایهی اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ است که اکنون بعد از سپری کردن ۴ سال زندان از ۵ سال محکومیتی که داشته است، دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی برای وی یکسال زندان حکم داده است.

این درحالیست که ابراهیم مددی و رضا شهابی دو عضو دیگر سندیکیای واحد نیز، هم اکنون در زندان به سر میبرند.

صدور حکم زندان برای منصور اسانلو را باید شدیداً محکوم کرد. منصور اسانلو باید فوراً از زندان آزاد شود. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" برای آزادی فوری همه کارگران زندانی تلاش میکنند. آزادی کارگران زندانی یک اقدام عملی و فوری برای

زندانیان سیاسی تلاش کنیم و در مقابل این فشار ها بایستیم. تشکل، اعتصاب، آزادی عقیده و بیان، حقوق پایه ای کارگران و کل جامعه است و باید به رسمیت شناخته شود.

رسول بداتی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراهی شاننیز و کاوه گلمحمدی

اطلاعیه شماره ۲۱: منصور اسانلو در محاکمه دوباره خود یکسال حکم زندان گرفت

مهدی فراهی شاننیز از زندان آزاد شد.

کارگران است. میتوان با اعتصابات اخطاری، و با مبارزه ای متحد نه تنها کارگران زندانی بلکه تمام زندانیان سیاسی را از زندان آزاد کرد.

ما از همه کارگران، معلمان، دانشجویان و همه انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان میخواهیم که طومار اعتراضی "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" را امضا کنند و وسیعاً به این حرکت اعتراضی پیوسته و به هر شکل که میتوانند ما را در این کارزار جهانی یاری رسانند. طومار اعتراضی برای آزادی کارگران زندانی را از طریق وب لاگ این کمپین که در زیر آدرس آمده است، میتوانید بدست آورید.

در خاتمه خبر خوشحال کننده آزادی مهدی فراهی شاننیز را به اطلاعاتتان میرسانیم. مهدی فراهی در قبال وثیقه ۵۰ میلیون تومان ده روز است که آزاد شده است. آزادی وی را به او و به خانواده اش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و رسول بداتی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر

0044-77798 98968

بهرام سروش

0044-7852 338334

Shahla_Daneshfar@yahoo.com

Bahram.Soroush@gmail.com

وب لاگ کمپین برای آزادی کارگران زندانی:

http://free-them-now.blogspot.com/

باید از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و فعالین جنبش های اعتراضی مختلف در جامعه باید تماماً لغو شود. کارگر زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۵ مرداد ۸۸، ۶ اوت ۲۰۱۰

تصاویری از تظاهراتی ۱۰ اوت (۱۹ مرداد) برای نجات سکینه محمدی



مالمو، سوئد



بوروس، سوئد



فرانکفورت، آلمان



هلسینگیوری

کارگران اخراجی نوشابه سازی ساسان از حق بیمه بیکاری نیز محرومند!

کردند تا از مقرری صندوق بیمه بیکاری استفاده کنند، اما در اینجا نیز با سد سازمان تامین اجتماعی روبرو شدند و بلا تکلیف بدون هیچگونه مقرری ایام بیکاری به حال خود رها شده اند.

بیکارسازی کارگران تحت هر عنوان و بهانه ای باید فوراً متوقف شود. بیکارسازی کارگران و استخدام کارگرانی با دستمزد پایین تر پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق کارگران است. کارفرمایان برای گریز از افزایش دستمزد کارگرانی که سابقه کار دارند، آنها را از کار اخراج میکنند و کارگران دیگری را با دستمزد و مزایای پایین تر به کار میگیرند و دولت و قوانین نیز از این اجحاف آشکار علیه کارگران حمایت میکند. این در عین حال سیاستی در جهت دامن زدن به رقابت و تفرقه میان کارگران است. کارگران کارخانه ساسان باید متحدانه در برابر این اخراج ها بایستند و با تجمعات اعتراضی شان و با شرکت گسترده خانواده ها در این اعتراضات کاری کنند، که این اخراج ها به قیمت

نزدیک به پنج ماه از اخراج دسته جمعی کارگران شرکت نوشابه سازی ساسان در جاده قدیم کرج میگذرد. در پی اجرای سیاست ضد کارگری "تعدیل نیرو" که نام دیگری برای اخراج کارگران است، هفتصد نفر از کارگران اخراج شده اند و کارگران اخراجی هنوز موفق به دریافت بیمه بیکاری خود نگردیده اند. کارفرما پس از اخراج این کارگران، اقدام به استخدام نیروی کار جدید با دستمزد و مزایای کمتر و حذف سرویس ایاب و ذهاب و ناهار نمود. برخی از کارگران بعلت وضعیت نابسامان اقتصادی و برای ممانعت از بیکار شدن، حتی حاضر گردیدند، بعنوان کارگر ساده در شرکت بمانند، اما کارفرما بازهم حاضر به استخدام همگی آنان نشد و تنها با برخی از اخراج شدگان به شرط شرکت در دوره های آموزش فنی و حرفه ای به توافق رسید. کارگران با اعتراض به سیاست "تعدیل نیرو" که زندگی آنها و خانواده شان را مورد تهدید جدی قرار داده است به "سازمان تامین اجتماعی" جمهوری اسلامی مراجعه

کردند تا از مقرری صندوق بیمه بیکاری استفاده کنند، اما در اینجا نیز با سد سازمان تامین اجتماعی روبرو شدند و بلا تکلیف بدون هیچگونه مقرری ایام بیکاری به حال خود رها شده اند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مرداد ۱۳۸۹ - ۱۰ اوت ۲۰۱۰

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.
آلمان:

Germany Rosa Mai 583657502 Konto. Nr.: Post Bank
Bankleitzahl: 37010050
Dixie Rd, Mississauga 4900: Canada ICRC Scotiabank کانادا
L4W 2R1 Account #: 84392 00269 13

Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248 هلند:
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

G street, Blaine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch آمریکا:
ph: 1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green NWBK GB 2L BIC:
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
از ایران: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.

"بنگاههای زود بازده"

محمد شکوهی

از صفحه ۱



کاهش بیکاری است. از زمان آغاز این طرح به گفته مقامات ریز و درشت رژیم، وزارت کار، مقامات و مسئولان اقتصاددیش هزاران میلیارد تومان برای این امر اختصاص داده است. این ارقام بین ۳۵ هزار میلیارد تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده. بر اساس محاسبات دولت، وزارت کار، بانک مرکزی و کمیسیونهای رنگارنگ اقتصادی رژیم هر ساله یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت کاری کشور افزوده می شوند که فقط در حدود ۸۰۰ هزار نفرشان شاغل می شوند. در این میان سهم بنگاههای زود بازده در اشتغال زایی مورد نظر دولت بنا به گفته خود دولت نزدیک ۱۰۰ هزار شغل، البته "موقت" می باشد. لازم به توضیح است که دولت در بودجه امسال ۳۸ هزار میلیارد تومان برای اشتغالزایی در نظر گرفته است. این بودجه جدا از بودجه "بنگاههای زود بازده" می باشد. به این ترتیب با یک حساب ساده رقمی حدود بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بنا بر ادعای دولت در این پنج سال گذشته صرف ایجاد اشتغال شده است. موضوع بنگاههای زود بازده و تاثیرات آن در کاهش بیکاری، نحوه و چگونگی تخصیص اعتبارات بانکی برای این پروژه، درجه و میزان موفقیت این بنگاهها و ... خود تبدیل به موضوع جنگ و دعوای باندها و مافیای اقتصادی دولت و شرکا و موافقان و مخالفان آن گشته است. نتولیبیرال های اسلامی درون حکومت به همراه بخش خصوصی این طرح ها را بی فایده و بخشا مضر به حال اقتصاد بیمار حکومت دانسته و در تلاش بوده و هستند که به دولت فشار بیاورند تا اعتبارات این بخش را کم نماید. موافقان این طرح آن را در راستای رشد اقتصاد "خودی" و تکیه بر تقویت صنایع و تولیدات داخلی دانسته که قرار است به عنوان "الگوی رشد و توسعه اقتصادی" اسلامی بیشتر از اینها به آن بها داده بشود.

در این میان احمدی نژاد در هر سفر استانی خود بطور متوسط بیش از ۵۰ مورد از این پروژه ها را افتتاح کرده و از آن به عنوان "موفقیت" یاد نموده و مقامات ریز و درشت رژیم، وزارت کار، مقامات و مسئولان اقتصاددیش هزاران میلیارد تومان برای این امر اختصاص داده است. این ارقام بین ۳۵ هزار میلیارد تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده. بر اساس محاسبات دولت، وزارت کار، بانک مرکزی و کمیسیونهای رنگارنگ اقتصادی رژیم هر ساله یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت کاری کشور افزوده می شوند که فقط در حدود ۸۰۰ هزار نفرشان شاغل می شوند. در این میان سهم بنگاههای زود بازده در اشتغال زایی مورد نظر دولت بنا به گفته خود دولت نزدیک ۱۰۰ هزار شغل، البته "موقت" می باشد. لازم به توضیح است که دولت در بودجه امسال ۳۸ هزار میلیارد تومان برای اشتغالزایی در نظر گرفته است. این بودجه جدا از بودجه "بنگاههای زود بازده" می باشد. به این ترتیب با یک حساب ساده رقمی حدود بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بنا بر ادعای دولت در این پنج سال گذشته صرف ایجاد اشتغال شده است. موضوع بنگاههای زود بازده و تاثیرات آن در کاهش بیکاری، نحوه و چگونگی تخصیص اعتبارات بانکی برای این پروژه، درجه و میزان موفقیت این بنگاهها و ... خود تبدیل به موضوع جنگ و دعوای باندها و مافیای اقتصادی دولت و شرکا و موافقان و مخالفان آن گشته است. نتولیبیرال های اسلامی درون حکومت به همراه بخش خصوصی این طرح ها را بی فایده و بخشا مضر به حال اقتصاد بیمار حکومت دانسته و در تلاش بوده و هستند که به دولت فشار بیاورند تا اعتبارات این بخش را کم نماید. موافقان این طرح آن را در راستای رشد اقتصاد "خودی" و تکیه بر تقویت صنایع و تولیدات داخلی دانسته که قرار است به عنوان "الگوی رشد و توسعه اقتصادی" اسلامی بیشتر از اینها به آن بها داده بشود.

در این میان احمدی نژاد در هر سفر استانی خود بطور متوسط بیش از ۵۰ مورد از این پروژه ها را افتتاح کرده و از آن به عنوان "موفقیت" یاد نموده و مقامات ریز و درشت رژیم، وزارت کار، مقامات و مسئولان اقتصاددیش هزاران میلیارد تومان برای این امر اختصاص داده است. این ارقام بین ۳۵ هزار میلیارد تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده. بر اساس محاسبات دولت، وزارت کار، بانک مرکزی و کمیسیونهای رنگارنگ اقتصادی رژیم هر ساله یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت کاری کشور افزوده می شوند که فقط در حدود ۸۰۰ هزار نفرشان شاغل می شوند. در این میان سهم بنگاههای زود بازده در اشتغال زایی مورد نظر دولت بنا به گفته خود دولت نزدیک ۱۰۰ هزار شغل، البته "موقت" می باشد. لازم به توضیح است که دولت در بودجه امسال ۳۸ هزار میلیارد تومان برای اشتغالزایی در نظر گرفته است. این بودجه جدا از بودجه "بنگاههای زود بازده" می باشد. به این ترتیب با یک حساب ساده رقمی حدود بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بنا بر ادعای دولت در این پنج سال گذشته صرف ایجاد اشتغال شده است. موضوع بنگاههای زود بازده و تاثیرات آن در کاهش بیکاری، نحوه و چگونگی تخصیص اعتبارات بانکی برای این پروژه، درجه و میزان موفقیت این بنگاهها و ... خود تبدیل به موضوع جنگ و دعوای باندها و مافیای اقتصادی دولت و شرکا و موافقان و مخالفان آن گشته است. نتولیبیرال های اسلامی درون حکومت به همراه بخش خصوصی این طرح ها را بی فایده و بخشا مضر به حال اقتصاد بیمار حکومت دانسته و در تلاش بوده و هستند که به دولت فشار بیاورند تا اعتبارات این بخش را کم نماید. موافقان این طرح آن را در راستای رشد اقتصاد "خودی" و تکیه بر تقویت صنایع و تولیدات داخلی دانسته که قرار است به عنوان "الگوی رشد و توسعه اقتصادی" اسلامی بیشتر از اینها به آن بها داده بشود.

معاون وزیر کار در واکنش به این گزارش می گوید: "بر طبق آماری که ما، یعنی (باندهای وابسته به وزارت کار) ارائه داده ایم این انحراف ۳۰ درصدی صحت ندارد و فقط ۴ درصد است. جنگ آمار و ارقام مقاصات و مسئولان رژیم در این مورد ادامه دارد. اما در این میان نتایج بررسی هایی که توسط سایر مراجع دولتی و مجلس صورت گرفته است، جالب می باشد. در پاسخ به این سوال که میزان "انحراف" از این طرح چقدر بوده است، مرکز پژوهش های مجلس میزان انحراف بنگاه های زود بازده را هشت درصد اعلام کرده است. بانک مرکزی ۴۳ درصد و معاونت مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس آگاهی ناجا (بنا بر بررسی سازمان بازرسی کشور) ۵۰ درصد اعلام کرده است. به این ترتیب بنا به اعتراف نهادهای حکومتی میلیاردها دلار سرمایه ای که ظاهرا به ایجاد اشتغال اختصاص داده شده است، توسط باندهای مختلف بالا کشیده شده است. این آمار و ارقام و اعتبارات هزاران میلیاردی این طرح است که به بهانه ایجاد اشتغال تبدیل به یک منبع چپاول و دزدیهای عیان و آشکار باندهای حکومتی شده است. به این بهانه میلیاردها تومان پول و اعتبارات بانکی حکومتی در میان دار و دسته های حکومتی گرد آمده در وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی، سازمان گسترش صنایع، و باندهای خارج دولت فعال در بخش خصوصی و وابسته به مافیای اقتصادی شکل گرفته و در دایره مقاصات بلند پایه حکومتی سابق و فعلی، آخوندها، رفسنجانی، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام و... توسط این باندها رسما در میان دار و دسته هایشان توزیع شده، برایش سند و مدرک جور کرده، پروژه خود اشتغالی نوشته و حتی تعداد شغل های ایجاد شده از این طریق را با لیست اسامی شاغلان در این پروژه ها تهیه کرده و هر کدام بسته به اینکه کدام باند و مافیای حکومتی وابسته باشد، آمار و ارقام ارائه داده اند. تا بدین وسیله دزدی و بالا کشیدن هزاران میلیارد تومان را، جنبه "قانونی" داده و متقاضی باز هم بیشتر وام خود اشتغالی و اعتبار برای "گسترش" بنگاههای زود بازده شده اند.

در این میان شرایط دادن طرح های خود اشتغالی، وام و اعتبارات هم خوب معلوم هست. بیشترین میزبان گیرندگان این وام ها و اعتبارات در دایره هواداران دولت، وابستگان به مافیای قدرتمند اقتصادی وابسته به سپاه و بسیج، شهرداریهای شهرهای بزرگ، اعضا و وابستگان به ارگانها و نهادهای مورد تأیید حکومت، در یک کلام بدنه حامیان دولت و نظام می باشد. این فقط یک ادعا نیست، خودشان این را می گویند. برای مثال شرکت های وابسته به زیر مجموعه های دولتی سازمان گسترش صنایع رژیم، اداره های کارمایی خصوصی مستقر در وزارت کار، سایر بنگاههای کارمایی خصوصی، در کنار دهها و صدها شرکت دولتی و نیمه دولتی و... از دریافت کنندگان اصلی این اعتبارات و وامها بوده اند.

باندهای مختلف در داخل و خارج حکومت، با طرح بنگاههای زود بازده و بهانه اشتغال زایی منبع عظیم و سرشار دیگری باری چپاول و دزدیهای بسیار کلان پیدا کرده اند. خود مقامات وزارت کار اعلام کرده اند که با این کارها فقط "اشتغال کاذب، موقت" یا حداکثر ۵ سال ایجاد شده که با دوام نبوده اند. این در حالی است که به اعتراف برخی مقامات حکومتی و سازمان برنامه و بودجه، با استناد به گزارش کمیسیونهای مختلف تحقیق پیرامون پیشرفت های برنامه های ۵ ساله رژیم، نزدیک به ۷۰ درصد طرح ها و برنامه های اعلام شده در برنامه ۵ ساله دوره احمدی نژاد در شکل کلی عملی نشده است. در این میان بویژه طرح های مربوط به بنگاههای زود بازده، و اشتغالزایی این چنینی نزدیک به ۹۰ درصدشان عملی و اجرایی نشده است. ولی جالب است که اعتبارات آن مصرف شده است و برایش سند و مدرک درست کرده اند.

بر اساس آمار رسمی بیکاری از مرز ۱۴ درصد گذشته، ورشکستگی کارخانجات، اخراج و بیکارسازی به بهانه کمبود نقدینگی، عدم فروش و

عدم رقابت صنایع و تولیدات داخلی با مشابه خارجی، سالانه صدها کارخانه و شرکت اعلام ورشکستگی کرده و هزاران کارگر اخراج و دستمزد هایشان پرداخت نمی شود. کارخانه های وشکسته و بحران زده را در این میان به بورس برده و سهامشان را می فروشند تا به ادعای خودشان نقدینگی این واحدهای تولیدی را بالا برده تا شاید زمینه ادامه کاری شان را فراهم آورده و باین ادعای بی شرمانه که از قبل فروش سهام این واحد دستمزد های به تعویق افتاده کارگران را پرداخت نمایند. این هم در نوع خود یک شیادی اسلامی و دزدی رسمی و قانونی است. در این میان طراحان و صاحبان بنگاههای زود بازده هم ساکت ننشسته و اقدام به خرید چنین کارخانه ها و شرکت هایی می کنند. با دریافت وام و اعتبارات دولتی و با ارائه طرح مبنی بر "تجهیز و راه اندازی مجدد" واحدهای بحران زده، میلیاردها تومان پول را بالا میکشند و بعد از چند ماهی اعلام می نمایند که صاحب کارخانه یا شرکت مورد نظر به دلیل کمبود نقدینگی و فرسودگی و... کارخانه را تعطیل و اعلام ورشکستگی کرده است. بدین ترتیب مافیای دولت و مافیای اقتصاد دزدیهایشان را ظاهرا ماستمالی کرده و ردشان را گم می کنند. اینها نمونه های برجسته ای از سیاست اشتغالزایی به شیوه حکومت دزدان و قاتلان بوده که ادامه دارد. همه باندهای حکومتی با این بهانه در غارت، چپاول و دزدیهای هزاران میلیاردی شریک بوده و هوای همدیگر را دارند.

به اعتراف خود دست اندرکاران حکومت بساط دزدیهای هزاران میلیاردی در عرصه بنگاههای زودبازده گسترده شده است. در راس این دزدی سازمان یافته به بهانه "ایجاد اشتغال" باند خامنه ای- احمدی نژاد و باندهای وابسته به رفسنجانی و مافیای وزارت کار و کنترل های بخش خصوصی قرار دارند. جمهوری اسلامی به مفهوم دقیق کلمه یک مافیای دزدی و چپاول ثروتهای جامعه است.*

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

زنده باد سوسیالیسم!

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۳۹ سلمان رشدی از کمپین بین المللی برای نجات سکینه محمدی آشتیانی دفاع کرد و از همگان دعوت کرد به یاری سکینه بشتابند.



سلمان رشدی در روز شنبه ۷ اوت در مصاحبه با رسانه های برزیلی گفت که دفاع از سکینه محمدی آشتیانی یک کار قابل تقدیر است. او گفت کمپین جهانی برای نجات سکینه، یک موضوع مهم است و از همگان دعوت کرد که به این حرکت جهانی بپیوندند. رشدی یکی از امضا کنندگان، نامه اعتراضی شخصیت های سرشناس جهانی علیه حکم سنگسار سکینه بوده و اکنون برای شرکت در نمایشگاه ادبی بین المللی پاراتی به برزیل سفر کرده است.

در کشور برزیل، موضوع سکینه محمدی آشتیانی و سنگسار و جنایات حکومت اسلامی به یک موضوع داغ

نامه مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام به بان کی مون رئیس سازمان ملل



آقای بان کی مون گرامی!
خبرهای نگران کننده ای از ایران میرسد. سکینه محمدی یک زن ۴۳ ساله زندانی در تبریز که حکومت اسلامی قصد سنگسار کردن او را داشت، اکنون بطور جدی در خطر اعدام قرار دارد. به عنوان فردی که از سه سال قبل با این موضوع آشنا هستم و برای نجات سکینه محمدی آشتیانی فعالیت میکنم، از شما تقاضا میکنم که در این مورد فوراً اقدام کنید.

سکینه محمدی آشتیانی به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج در شهر اسکو به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شده است. این حکم در دادگاه عالیتر یعنی در تبریز به سنگسار تبدیل شده و سپس تهران هم این حکم را تأیید کرده است. همزمان پرونده دیگری در جریان بوده در مورد قتل همسر سکینه محمدی که طبق اسناد خود جمهوری اسلامی که ما منتشر کرده ایم در این پرونده خانم آشتیانی تیره شده و یک نفر به اتهام قتل و اقرار به انجام قتل دستگیر و زندانی شده است. اما بدنبال درخواست فرزندان سکینه محمدی و اعتراض جهانی به حکم سنگسار او، جمهوری اسلامی میکوشد تا سکینه را به قتل متهم کند و او را اعدام کند.

روز چهارشنبه ۱۱ ماه اوت در برنامه تلویزیونی بیست و سی دقیقه، که از مهمترین برنامه های تلویزیون جمهوری اسلامی است، خانم آشتیانی را نشان میدهند که نوشته ای دست او

تصاویری از تظاهراتهای ۷ اوت (۱۶ مرداد) در ۱۳ شهر جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی

تظاهراتهای ۷ اوت، ۱۶ مرداد در دفاع از زندانیان سیاسی و به فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از جمله در شهرهای زیر برگزار شد: کانادا: تورنتو، اتاوا، سوئد: بوروس، هلسینکیپوری، مالمو، استکهلم، نروژ: اسلو، آمریکا: واشینگتن دی سی، آلمان: کلن، هامبورگ، برمن، استرالیا: سیدنی



با تشکر و احترام، مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار - ۱۲ اوت ۲۰۱۰

این پیشنهاد از سوی حکومت اسلامی ایران رد شد و اکنون مباحثات داغی در برزیل در این مورد در جریان است.

روزنامه های برزیلی مصاحبه های متعددی با فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار در این مورد انجام داده اند. دفاع سلمان رشدی و همه کسانی که برای نجات سکینه تلاش میکنند، دلگرمی بزرگی است برای فرزندان سکینه. از همگان دعوت میکنیم به این کمپین بزرگ انسانی برای نجات جان سکینه بپیوندند.

مینا احدی، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، ۸ اوت ۲۰۱۰

اسنادی را که در اختیار داریم که نشان حرفهای ایشان واضح نیست، گویینده تلویزیون یک متن سراپا دروغ علیه سکینه محمدی آشتیانی و دست داشتن او در قتل همسرش را قرائت میکند.

در این برنامه به سنگسار اشاره ای نمیکند و گویی اصلاً موضوع بر سر حکم سنگسار و احتمال اجرای فوری آن بر علیه سکینه نبوده است. اهمیت این برنامه اینست که حکومت اسلامی میکوشد برای قتل خانم آشتیانی زمینه سازی کند و حکم اعدام را فوراً اجرا کند. جهت اطلاع شما خانم آشتیانی شاکی خصوصی ندارد و همان آخوندی که در تلویزیون علیه آشتیانی حرف میزند و دادستان تبریز و مقامات حکومتی شاکی خانم آشتیانی هستند و میخواهند به هر قیمتی شده او را بکشند.

این روش اعتراف گیری و دروغ پردازی حکومت اسلامی البته برای مردم ایران بسیار آشنا است. تبلیغات علیه ندا آقا سلطان بعد از قتل او و متهم کردن خانواده ندا به برنامه ریزی قتل و یا تبلیغات علیه ترانه موسوی و خانواده او در حالیکه ترانه توسط حکومت اسلامی دستگیر و سپس در زندان مورد تجاوز قرار گرفته و به قتل رسیده بود... تنها نمونه هایی از شوهای تلویزیونی این حکومت بوده است. من هشدار میدهم که حکومت اسلامی قصد اجرای حکم اعدام فوری سکینه را دارد. ما به همراه این نامه

فوت وقت برای نجات سکینه و دیگر قربانیان مائشین آدم کشی جمهوری اسلامی اقدام کنید.

گزارش تصویری از آکسیونهای ۱۰ اوت ۲۰۱۰ برای نجات سکینه آشتیانی



تورنتو



Frankfurt



کولن



برلین



استکهلم



۲۸ اوت ۲۰۱۰ صد شهر جهان علیه سنگسار!

آکسیون بزرگ "صد شهر جهان علیه سنگسار" و موفقیت آن بکوشند. از مردم سراسر جهان میخواهیم از هم اکنون برای برگزاری تظاهرات در شهر خود با ما از طریق سایت های زیر تماس بگیرند، اعلام آمادگی کنند و دوستان خویش را سازمان دهند. ما در اطلاعیه های بعدی و از طریق این سایتها لیست شهرهایی که آماده برگزاری تظاهرات هستند و به آن می پیوندند را اعلام خواهیم کرد.

همه اتحادیه ها و تشکل های کارگری، تشکل های حقوق زنان، سازمان عفو بین الملل و همه سازمانهای مترقی و مدافع حقوق انسانی را دعوت میکنیم تا در این مبارزه و برای عقب راندن جمهوری اسلامی با ما همراه شوند. سخنران به اجتماعات ۲۸ اوت بفرستند و اعضا و فعالین و امکانات خود را برای انجام هرچه بهتر این کمپین بسیج کنند. از تمامی شهرداری ها، شوراهای محلی، پارلمانها و نمایندگان

کارزار نجات سکینه از سنگسار توجه جهانیان را به این جنایت قرون وسطایی جلب کرده است. امروز نام سکینه برای میلیونها انسان در سراسر دنیا نامی آشنا است و صدها هزار نفر با امضای طومارهای اعتراضی مخالف خود را با این جنایت وحشیانه اعلام کرده اند. این حرکت میلیونی باید سازمان پیدا کند و اعتراض خود را به خیابانها بکشد! ما به این منظور روز ۲۸ اوت را بعنوان روز آکسیون بزرگ "صد شهر جهان علیه سنگسار" اعلام میکنیم و از همه مردم جهان میخواهیم تا در این روز در اعتراض به جنایت قرون وسطایی سنگسار و در محکومیت رژیم اسلامی سنگسار در شهر خود تجمعات و تظاهرات اعتراضی برپا کنند. ما همه فعالین مبارزه علیه سنگسار، همه سازمانها و نهادها و دست اندرکاران سایتی که به خصوص در کارزار نجات سکینه فعال بوده اند را فرامیخوانیم تا با استفاده از همه امکانات خود برای سازماندهی

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۴۱: سکینه محمدی آشتیانی را وادار به مصاحبه تلویزیونی علیه خود کرده اند

اسلامی بایستند. بویژه از مردم تبریز و اسکو میخواهیم که فرزندان سکینه یعنی سعیده و سجاد را مورد حمایت گرم و صمیمانه خود قرار دهند. در مقابل این تبلیغات زهرآگین رژیم و ارگان شدت منفور صدا و سیما رژیم که فشار روحی غیر قابل توصیفی بر فرزندان سکینه وارد کرده است، از هیچ نوع کمک و محبتی به آنها نباید خودداری کرد. جبهه بزرگی از میلیونها انسان در سراسر جهان علیه توحش حکومت اسلامی شکل گرفته است، با شرکت فعال در این مبارزه این جبهه را تقویت کنید و هرچه بیشتر به سعیده و سجاد محبت نشان دهید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۱۱ اوت ۲۰۱۰

طبق خبری که همین الان بدست ما رسیده است، جمهوری اسلامی در برنامه امشب بیست و سی دقیقه صدا و سیما مصاحبه ای از سکینه محمدی آشتیانی پخش کرده است که در آن وی علیه محمد مصطفایی و علیه کمپین جهانی برای نجات او صحبت کرده است. در عین حال تلویزیون جمهوری اسلامی مصاحبه هایی با چند نفر در شهر اسکو در آذربایجان جور کرده که خواهان اعدام سکینه شده اند.

این شوی تلویزیونی علیه سکینه محمدی آشتیانی برای مردم ایران و همه کسانی که با جمهوری اسلامی و صدا و سیما منفورش آشنا هستند، یک نمایش مسخره بیشتر نیست. جمهوری اسلامی به خیال خود میخواهد فشار کمپین جهانی قدرتمندی که علیه او شکل گرفته است را کاهش دهد و زمینه را برای قتل سکینه فراهم کند. یک قربانی را در حالیکه سالها در زندان و در کابوس سنگسار و اعدام نگهداشته اند، وادار به مصاحبه علیه خود کرده

www.iransolidarity.org.uk
www.missionfreeiran.com
<http://stopstoningnow.com>
<http://notonmoreexecution.org/>

در حاشیه بحث... از صفحه ۱



اجتماعی، از دولت و سیاست گرفته تا اقتصاد و فرهنگ و مذهب و سنت و غیره، یک مساله طبقاتی است. آزادی واقعی انسان تا وقتی جامعه طبقاتی، استثمار اکثریت توسط اقلیت و دولت هست ممکن نیست. اهمیت مارکسیسم دقیقا همین است که نشان میدهد چگونه میتوان و باید به جامعه طبقاتی پایان داد و آزادی و رهایی انسان را بطور واقعی متحقق کرد. لنین اتفاقا در میان همه مارکسیست های پیشین بیش از هرکسی در دنیای واقعی تنش را به این امر زده و جانانه برای آن جنگیده است.

لنین در دل یک جنگ خانمانسوز جهانی که کل سوسیال دمکراتها و جریان اصلی مدعی مارکسیسم آنزمان (انترناسیونال دوم) پشت سر بورژوازی خودی رفته بودند این پرچم را بلند کرد که تفنگ ها را بسوی بورژوازی خودی و دولتشان برگردانید. او در دل جنگ بورژواها برای تقسیم جهان پرچم انقلاب سوسیالیستی و صلح و نان و آزادی را برافراشت و در راس کارگران روسیه قدرت سیاسی را تسخیر کرد و تا وقتی زنده بود ضمن دست و پنجه نرم کردن با بدترین شرایط، قحطی، جنگ داخلی، محاصره و تهاجم گسترده خارجی و انواع توطئه ها، در عین حال برای تحقق شریف ترین آرزوهای انسانی جنگید. دولت لنینی علیرغم همه ضعف و کمبودها

مجموعا دولت کارگری بود که تحت شرایط معین روسیه برقرار گردید. قضاوت در مورد لنین را باید بر متن این شرایط و تغییرات واقعی که پس از انقلاب اکتبر در موقعیت کارگران و زنان و توده های محروم و کل جنبش آزادی و رهایی بشر چه در روسیه و کل جهان بوجود آمد متکی کرد. متاسفانه پس از مرگ لنین انقلاب سوسیالیستی در روسیه در حساس ترین مقطع که باید تکلیف اقتصاد روشن میشد مقهور جنبش توسعه صنعتی بورژوازی روسیه شد و شکست خورد. نمی توان سرمایه داری دولتی نوع استالین که بر متن قلع و قمع کردن جنبش لنین شکل گرفت را به حساب لنین گذاشت. لنین البته به دلایل واضح مورد نفرت عمیق گرایشات مختلف بورژوازی است. از جمله نقد دمکراتیک از لنین است که نسخه مک کارتیستی و دست راستی آن لنین را به دیکتاتور بودن محکوم میکند و میکوشد استالین را به لنین وصل کند. اما ورژن چه نقد دمکراتیک مدعی است که دلیل شکست انقلاب روسیه این بود که لنین به اندازه کافی دمکرات و آزادیخواه نبود. اینرا در مورد کسی میگویند که بیش از هر کسی در تاریخ برای بسط و تحقق دولت

شورایی و دخالت میلیونی مردم در سرنوشت خویش نقش ایفا کرد و نه فقط روسیه که بسیاری کشورهای دیگر را از اسارت تزار رها کرد. در هر حال نقد دمکراتیک لنین از منظر چه حتی اگر حسن نیتی هم داشته باشد عملا مخاطب خود را به زیر علم همان تبلیغات جنگ سردی هدایت میکند و از دلایل واقعی شکست انقلاب اکتبر غافل میکند. ما بوقت خودش و وقتی اینگونه نقدهای دمکراتیک بسیار مد بود در مباحثی نظیر "نقد سوسیالیستی تجربه شوروی" و "مارکسیسم و جهان امروز" نوشته منصور حکمت مفصلا به نادرست بودن این نقد پرداخته ایم. ضمن دعوت خواننده به مطالعه این اسناد باید بگویم که حزب ما روشنتر و منصفانه تر و در عین حال رادیکالتر از هر جریانی دلایل شکست انقلاب سوسیالیستی در روسیه را برشمرده است.

این طبعها شامل کمبودها و کاستی های لنین و دولت لنینی هم میشود. در این مورد هم به یمن منصور حکمت ما در صف اول نقد منصفانه و رادیکال قرار داریم. برای مثال در بحث "دولت در دوره های انقلابی" ضمن دفاع جانانه از دولت لنینی توضیح داده میشود که چگونه لنین و بلشویک ها بین دولت مستقر و متعارف کارگری با دولت کارگری در دوره انقلابی تفکیک روشنی قائل نمی شوند. این عدم تفکیک خیلی جاها سبب میشود که اقدامات عاجلی که دولت کارگری درگیر در

جنگ داخلی ناچارا در دفاع از انقلاب به آن دست میزند به حساب دولت کارگری بطور کلی گذاشته شود. حال آنکه برخی از این اقدامات از سر ناچارای و بعضا ناشی از نداشتن افق روشن در شکل دادن عملی به دولت کارگری است و در هر حال نمی تواند و نباید یک اصل محسوب شود. همینطور از بدو تاسیس حزب کمونیست کارگری ما اولین حزب سیاسی در ایران بودیم که خواهان لغو مجازات اعدام شده ایم و طبعاً از این لحاظ با لنین و بلشویکها متفاوت هستیم. ما مجازات اعدام را تحت هیچ شرایطی نمی پذیریم. یا در مورد آزادی های بی قید و شرط سیاسی، ما متفاوت فکر میکنیم. در دولتی که ما تشکیل میدهیم همه شهروندان صاحب حق رای هستند و از آزادی های فردنی و مدنی برخوردارند، مستقل از اینکه بورژوا یا پرولتر هستند. این لیست البته طولانی تر است. برای مثال در زمینه مساله ملی و حق تعیین سرنوشت، در مورد جایگاه دمکراسی در مبارزه برای سوسیالیسم و غیره ما مجبور بوده ایم فرمولبندی های لنین (و همینطور مارکس و انگلس) را تدقیق کنیم و بحث را بسط و گسترش دهیم. البته بدون تجارب قبلی و مباحث قبلی رساندن کمونیسم به اینجا که حزب کمونیست کارگری هست ممکن نبود.

امیدوارم فرصتی باشد تا این نکات را بیشتر بحث کنیم. اما در

پایان میخواهم خیلی فشرده یادآوری کنم که اهمیت لنین و برداشت لنینی از مارکسیسم در کجاست. اهمیت لنین برای حزب ما، و برای کل مبارزه رهایی بخش بشریت امروز در این است که بقول منصور حکمت، لنین در مقابل "مطلوبیت کمونیسم" که مورد توافق خیلی چپ های نظاره گر و تفسیرگر بوده و هست، ایده "امکان پذیری کمونیسم" و عملی و متحقق کردن آنرا مطرح کرد. (در این رابطه خواننده را به مطالعه "مبانی کمونیسم کارگری - سمینار دوم ژانویه ۲۰۰۱" که اخیرا توسط حزب منتشر شده است دعوت میکنم.) اهمیت لنین در تاکید او بر نقش و اهمیت اراده اجتماعی متشکل و متحزب انسانها در تغییر وضع خودشان است. اهمیت لنین در این است که نشان میدهد چگونه باید از بزنگاه های تاریخی استفاده کرد و توده های وسیع را بسیج و رهبری کرد و قدرت سیاسی را تسخیر کرد. چرا که تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و توده های محروم تحت رهبری کمونیستها دقیقا مقطع "عبور از تفسیر جهان به تغییر جهان" است. چیزی که همان نقد دمکراتیک از لنین نه فقط به آن بی توجه است بلکه نهایتا آنرا تبیین میکند و مثل همه نقد های بورژوازی مذموم می شمارد. یعنی حتی ذره ای تعهد به بحث آزادی در همان حد که ادعا میکند ندارد. (۱۲ اگوست ۲۰۱۰)

موج جدیدی از... از صفحه ۱

شهبلا دانشفر



اکنون در اعتراض به عدم پاسخگویی دولت در تدارک اعتصابی سراسری هستند. با توجه به این فضای اعتراض و در وحشت از آنست که "سازمان نظام پرستاری" جمهوری اسلامی جلو افتاده و غضنفر میرزاییگی رییس این سازمان ضمن اعلام این خطر و هشدار به دولت میگوید: "چنانچه استخدام ۲۳ هزار پرستار محقق نشود و با تصویب شورای عالی نظام پرستاری تا آخر ماه رمضان اجرائی نشود، جامعه پرستاری کاری را که در سال ۸۳ کرد تکرار می کند، یعنی درخواست برگزاری تجمع را اگر این روند تا آخر ماه رمضان ادامه داشته باشد به وزارت کشور ارائه می کنیم، گر چه

دو ساعت جمع شود (او در واقع دارد پرستاران را نسبت به جمع شدن اعتصابشان تهدید میکند که "جمع خواهد شد") بلکه نگرانی ایشان "بی تفاوت شدن پرستاران" بخاطر مشکلات ساعت کار و غیره است. نگاهی دقیق تر به این موضوع نشانگر ابعاد گسترده اعتراض در میان پرستاران است: بنا بر شواهد و گزارشها بیش از ۶۰ درصد پرستاران حتی پایین تر از حداقل دستمزد، مزد دریافت میکنند. تحمیل فقر و مشقت هر روزه در کنار کار سخت و طاقت فرسا فشار بالایی بر روی این بخش از کارکنان جامعه وارد کرده است. سطح زندگی پرستاران حتی کمتر از یک سوم نرخ خط فقری است که از سوی جمهوری اسلامی اعلام شده است. در سال ۸۳ پرستاران در اعتراضات گسترده خود

بر خواست افزایش حقوقهایشان تاکید کردند و تحت فشار این اعتراضات، رژیم ناگزیر وعده داد که ۲۰۰ میلیارد ریال تحت عنوان طرح اشتغال شغلی بودجه اختصاص خواهد داد. اما این پول تنها ۳۵ درصد پرستاران را شامل میشود. خواست دیگر پرستاران اعتراض به بیکارسازیها تحت عنوان خصوصی سازی ها بود. به این معنی که تاکنون تحت عنوان خصوصی سازیها تعداد بسیاری از پرستاران از کار بیکار شده و بعد در بخش های خصوصی با ساعتی ۳۰۰ تومان و ماهانه ۶۰ هزار تومان کار بکار گرفته شده اند. شرکت های خصوصی پرستاران متقاضی کار را با قراردادهای ۸۹ روزه به کار گرفته و تحت سخت ترین شرایط کار و با حداقل مزد آنها را به استخدام خود در میاورند. با این شیوه کار دست شرکت

های خصوصی در استعمار برده وار این بخش از جامعه کاملا باز گذاشته شده است. پرستاران به این شرایط کاری، به اخراج ها و به ناامنی شغلی و عدم استخدام رسمی خود معترضند. "اضافه کاری اجباری"، "نداشتن زمان کافی برای رسیدگی به خانواده" از جمله دیگر مشکلات پرستاران است که بارها در اعتراضاتشان به آن اشاره داشته اند. بسیاری از پرستاران هم اکنون با وجود داشتن ۲۹ سال سابقه کاری، نمی توانند از مزایای بازنشستگی استفاده کنند و باید حتما دوره ۳۰ ساله آنها طی شود تا بازنشسته شوند. بسیاری از پرستاران کشور مجبورند برای تأمین مخارج زندگی دو شیفته کار کنند. بدین ترتیب پرستاران با دستمزد بسیار نازل در شرایط بسیار دشواری کار میکنند. این را در گزارشات

جمهوری اسلامی در ورطه انزوا

پیرامون شوی کثیف و ادار کردن سکینه به مصاحبه تلویزیونی

آوات فرخی



سکینه محمدی آشتیانی اکنون نامی است که جمهوری اسلامی را به لرزه انداخته است. او دیگر يك زن محکوم گنم نیست. او را میلیونها و دهها میلیون نفر میشناسند و برای آزدایش تلاش میکنند. نام و چهره ای آشنا برای آنان که نگران وضعیت وی و کودکان معصومش هستند که دست یاری به سوی ما دراز کرده اند. برای آنانکه برای نجاتش طومارها امضاء کرده اند و با اعتراض و فشار بر جمهوری اسلامی خواب سران حکومت سنگسار و اعدام را آشفته کرده اند و آنانکه میخوانند سکینه و سکینه ها از زندانهای مخوف جمهوری اسلامی نجات یابند و به آغوش خانواده های چشم به راهشان برگردند. سکینه و کمپینی که برای نجاتش به راه افتاده آنچنان وسیع و گسترده شده که نظرها را به سوی سیستم سیاه جمهوری اسلامی و زندانهای مخوف و دستگاه قضایی قرون وسطائیش جلب کرده است و

حتی رسانه های مختلف در دنیا و سران کشورهای اروپایی و آمریکایی را متوجه خود کرده است. اوپاما و کلینتون حتی خواهان این شده اند که سکینه اعدام نشود و برزیل هم برای دومین بار از جمهوری اسلامی خواست که سکینه را آزاد کند تا وی به برزیل پناهنده شود. اما با این همه جمهوری اسلامی مصرانه تلاش دارد تا با دروغ پردازی و قاتل قلمداد کردن سکینه افکار عمومی جهانی را برای اعدام وی آماده کند. در حالیکه همه آنان که در جریان پرونده سکینه هستند میدانند که سکینه بیگناه است و فقط به خاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج که تازه آنها اثبات شده نیست و اگر هم بود امر شخصی خود او بود، میخوانند وی را زجر کش کنند. سران جمهوری اسلامی مذبحخانه تر از همیشه سکینه را وادار به مصاحبه تلویزیونی کرده اند تا علیه خود و کمپینی که برای نجاتش به راه افتاده و همچنین وکیل خود آقای مصطفایی صحبت کند. برای همه کس در ایران و

همه و همه باعث فشار جدی بر روی پرستاران شده و اعتراضات وسیع و بحق را در میان پرستاران دامن زده است. پرستاران بخشی از جامعه هستند که همواره به وضعیت کاری خود معترض بوده و ما شاهد چندین دوره اعتراضات گسترده و سراسری آنها بوده ایم. در متن این شرایط است که خیر از دور جدیدی از اعتراضات پرستاران است. موج جدید اعتراضات پرستاران در شرایطی است که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد و یکسال پر جنب و جوش از اعتراض و مبارزه را پشت سر گذاشته ایم و خیزش انقلابی مردم میرود تا در اشکال دیگر از جمله اعتصابات سراسری قد علم کند. زمزمه های اعتراض در میان پرستاران در شرایطی بالا گرفته است، که ما عینا همین وضعیت را در میان معلمان و کارگران و بخش های مختلف جامعه شاهدیم. علیرغم تلاش و تقالی نهادهایی مثل "سازمان نظام پرستاری" برای جلوگیری از گسترش اعتراضات باید به استقبال

خواهد بود. شوی جمهوری اسلامی اما برای مردم در داخل ایران از این لحاظ مناسب بود که کمپین سکینه را به مردم در داخل ایران برای بار دوم از تلویزیون جمهوری اسلامی معرفی کرد و مطمئناً آنان را خوشحال از این کارزار جهانی علیه حکومت منحوس اسلامی کرد. و برای همه مثل روز روشن است که جمهوری اسلامی در این کارزار شکست خورده است که اینچنین مذبحخانه به دروغپردازی در صدا و سیمای سرتاپا دروغ و سانسورش می پردازد. مگر در موضوع قتل ندا آقا سلطان و سهراب و اشکان و ترانه کم به دروغ متوسل شد تا فشارها را از داخل را بر روی خود کم کند؟ مگر اولین بار است که شخصی را به اجبار و تهدید پای مصاحبه تلویزیونی می آورد؟

این روشهای غیر انسانی که يك فرد در بند بیاید و علیه خود صحبت کند از متدهای همیشگی ارتجاع کثیف اسلامی است. اما پرونده جمهوری اسلامی از این سیاهتر است که بتواند با این تقلاها کاری از پیش ببرد. رسواتر کردن جمهوری اسلامی و نجات جان سکینه و دهها زندانی که روزها و شبها کابوس اعدام و

سنگسار و شکنجه را از سر میگیرند به ما بستگی دارد که در ۲۸ اوت در ۱۰۰ شهر جهان در کارزار نجات سکینه و سایر زندانیان وسیعاً به خیابان بیاییم و جمهوری اسلامی را با نقشه های شومی که در سر می پروراند با آزادی سکینه و همه زندانیان سیاسی به شکست بکشانیم. زخم فرزندان سکینه را باید با آزادی مادرشان التیام بخشیم و همانطوریکه آنها از انسانهای آزادیخواه و نهادهای بین المللی خواسته بودند نگذاریم کابوس اعدام مادر بر زندگیشان سایه افکند. باید به یاریشان بشتابیم و فراخوانشان را بی پاسخ نگذاریم. تک تک ما در قبال فرزندان سکینه و خانواده های زندانیان سیاسی مسئول هستیم. جمهوری اسلامی در این کارزار بزرگ به ورطه انزوا افتاده و فی الحال شکستی سخت خورده است. نباید بگذاریم دیگر قد علم کند باید این کمپین را آنقدر وسیع تر کرد که در نهایت به انزوی کامل جمهوری اسلامی و حکومت سنگسار و اعدام بیانجامد. پیش به سوی برگزاری هرچه گسترده تر کارزار نجات سکینه در ۲۸ اوت ۲۰۱۰ در صد شهر جهان!*

در آن نمایندگان واقعی خود را برگزینیم و از طریق تجمعاتمان و مبارزاتمان و اعتصابات اختاری خود خواستهایمان را پیگیری کنیم. با سازمان دادن نیرویمان و با جلب حمایت جامعه در تدارک اعتصابات سراسری باشیم. شروع اعتصابات سراسری از هر بخش از جامعه بدون شک شعله اشکل جامعه را میگیرد. زمینه گسترش اعتراضات بیش از هر وقت فراهم است. خود را برای دور جدید مبارزاتمان آماده کنیم. پرستاران مثل همه کارگران و مردم حق دارند از شرایط زندگی انسانی برخوردار باشند. حق دارند عمیقاً از شرایط برده وار کار خود خشمگین باشند. و حق دارند و میتوانند گسترده تر از سال ۸۳ دست به اعتصاب و اعتراض بزنند.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موج جدیدی از ...

خود دولت به روشنی میتوان دید. در سال ۸۷ غضنفر میرزابیگی میگوید: هم اکنون ۱۱۱ هزار تخت بیمارستانی در کشور فعال است اما تعداد

پرستاران شاغل از ۱۰۰ هزار نفر فراتر نرفته است. و به گفته او هم اکنون نه دهم پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی مشغول به کار است! البته او همانجا سطح نازل دستمزد پرستاران زن را با عنوان اینکه اغلب زنان پرستار از تحصیلات بالا برخوردارند و معمولاً با مردانی برخوردار از رفاه اجتماعی ازدواج می کنند، به شیوه ای کثیف توجیه میکند و اوج گنبدگی تفکر آخوندی و ارتجاعی خود را به نمایش میگذارد.

چند سال پیش گزارشی حاکی از این بود که در ایران تنها ۱۰۰ هزار پرستار اشتغال به کار دارند. و ۳۵ درصد پست های پرستاری خالی است و باقی پرستاران در دو تا سه شیفت و با اضافه کاری اجباری کار میکنند. معنای عملی این سیاست درجه بالای

آزادی، برابری، حکومت کارگری!